

## ملاک واقعی کدام است؛ حاشیه یا متن؟ اجتباب از پراگندگی در دستگاه سیاست خارجی کشور چگونگی بحران قدرت در میهن ما و پیامدهای آن

طرز نگاه کشورهای همجوار و حاکمیت‌های سیاسی آسیای مرکزی  
تفسیرهای منحصر بفرد و تصمیم‌گیری‌های جمعی  
بدیل زدایی برای نیروهای بدوی و خون آشام  
قلمرو بی قانونی

مفهوم حاشیه و متن به معنای جدید آن، پس از موجودیت سرمایه داری و گسترش آن شکل می‌گیرد. در واقع از زمان مارکس تلاش بمنظور بازکردن معنای آن آغاز می‌گردد. البته قبل از او کسانی مانند آدام اسمیت یا هگل بشکل دیگری این معنا را مطرح کرده بودند. در آستانه تحول سرمایه داری، جوامع اروپایی شروع می‌کنند به متمایز شدن از دیگران و بالتبع آن متفکران اروپایی شروع می‌کنند بدیدن دیگران از بیرون. مفاهیمی مانند تمدن در برابر بربریت یا جامعه مدنی در برابر جامعه آسیایی بر همین مبنای شکل گرفته و تکوین مییابد. عده آبی مدعی اند که جوامع اروپایی آینده بشریت را ترسیم می‌نمایند. آیا این حرف‌ها معنا دارد و نمی‌توان شکل دیگری را متصور شد؟ حتا آنانی که می‌گویند، زمانی در گذشته متمدن بوده ایم، خارج از این منطق نیستند، چرا کاتها در متن بوده اند و دیگران در حاشیه. حالا باید جواب پس بدهند که چرا از متن خارج شده‌اید. این جوامع زمانی در اوج پیشرفت بوده‌اند. ماجرا ساده است. پوپولیزم ذهن همه را درگیر کرده است. چه در حاشیه، چه در متن تناقض متن و حاشیه از کجا شکل می‌گیرد؟ بگفته دانشمندان، بورژوازی با توپخانه کالاها، ساختارهای سنتی و تکرارشونده جوامع غیرسرمایه داری را از هم فرومی‌پاشد. اما از سوی دیگر، مانع تکامل درونی این جوامع می‌شد. به بیان دیگر، از سویی افقهای تازه‌ای در برابر این جوامع باز می‌گشاید و از سوی دیگر، اجازه شکل‌گیری طبقات را در آن نمیدهد. بحث در باره حاشیه و متن همیشه وجود داشته است. اما در شرایط وضعیتی که از متن - حاشیه صحبت می‌گردد، بیشتر بمناسبات درونی دولت ملت توجه می‌شود.

چگونگی وضعیت نظامی - سیاسی بمفهوم وسیع کلمه و وضعیت عمومی کشور عزیز ما بمفهوم محدود کلمه، از سوی و پیامد فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتوا سرزمین و اراضی میهن ما، از سوی دیگر که با حملات مسلحانه و مذاکرات طرف‌های درگیر همراه بود، نقش و اثرگذاری کشورهای همجوار ما در امر حل و فصل قضایای کشور، تأثیرگذاری وضعیت منحصر بفرد کشور ما بر چگونگی اوضاع در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان، از جمله مسایل مورد بحث در نیشته حاضر می‌باشد. این واقعیت را باید در نظر داشت که در مجموع، انتقادهایی از چگونگی رویکرد غربی‌ها در قبال کشور ما عملن مطرح می‌گردید. بگفته بسیاری‌ها، غرب و بویژه اداره و اشنگتن با عقب نشینی و فراخواندن با عجله و شتاب نظامیان شان، یک بمب ساعتی در کشور ما بجا گذاشتند. باین مفهوم که مقادیر هنگفت سلاح و مهمات جنگی و حربی را ره‌ا نموده که با چنین اقدامی، یا از سلاح‌ها و مهمات بجا گذاشته شده، بمنظور آغاز و تشدید درگیری‌های مسلحانه میان گروه‌های بین‌افغانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، یا در بازارهای سیاه بفروش رسیده و یا در کشور ثالث در اختیار تروریست‌ها قرار می‌گیرد. در اوضاع و احوال کنونی، کشور عزیز ما با طیف وسیع و گسترده‌ای از چالش‌ها و تهدیدهایی مواجه می‌باشد. در کنار عوامل و پدیده‌های منفی، یکی دیگر هم موجودیت گروه‌بندی "دولت اسلامی" (داعش)، بمثابة بزرگترین تهدید بشمار می‌آید. بسیاری‌ها، گسترش عملکردهای

تروریستی را قبل از همه و بیشتر از سایر موارد به عفو عمومی اعلام شده و رهایی بیشترین تعداد زندانیان توسط "طالب" ها می پندارند. بسیاری از زندانیان رها شده، مجددن به هسته های تروریستی پیوستند که وضعیت اینچینی به "داعش" انگیزه داده و به تداوم بی ثباتی درکشور وحتا در منطقه دامن می زند.

یکی دیگر از جمله معضلات موجود درکشور عزیزما، قاچاق مواد مخدر محسوب می گردد. قاچاق و عرضه مواد مخدر با منشأی کشور عزیزما افغانستان از طریق مسیرهای سنتی همچنان ادامه دارد. علاوه بر فعالیت های تروریستی و قاچاق مواد مخدر، اقتصاد ضعیف کشور نیز از جمله موارد دیگر است که از پیامدهای احتمالی و موارد منفی آن نباید چشم پوشی بعمل آید. بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، حدود ۲۳ میلیون تن از شهروندان کشور ما به کمک ها و معاونت های اضطراری نیاز دارند. بیش از ۴ میلیون تن از شهروندان کشور بمثابه آوران داخلی پنداشته می شوند که همه ی آنها در آستانه گرسنگی قرار دارند. بر بنیاد تخمین های بانک جهانی، در امتداد دو سال واندی از بقدرت رسیدن دوباره "طالب" ها، اقتصاد کشور بمثابه فقیرترین کشور جهان، ۲۵ درصد کاهش پذیرفته و بسیاری از شهروند ان کشور، زیر خط فقر حیات بسر می برند.

چه کسانی مقصرو وضعیت کنونی کشور عزیزما پنداشته می شوند؟

اما تذکر این مسأله بی جهت پنداشته نمی شود که میهن عزیزما بمثابه یکی از حلقه های زنجیره ماجراجویی های بی پایان ژئوپولیتیک غرب محسوب میگردد. همه باین امر موافقتند که قبل از همه و بیشتر از سایر کشورها، این اداره و اشنگتن است تا هزینه های اقتصاد افغانستان پس از جنگ را پردازد، چه وضعیت و شرایط اینچینی در سرزمین ما افغان ها، نتیجه مستقیم و غیر مستقیم عملکرد و اقدامات اداره و اشنگتن و متحدانش پنداشته می شود.

بگفته کارشناسان و دست اندرکاران علوم سیاسی، اتحادیه اروپا بویژه در امتداد سال های پسین، علاقمندی بآسیای مرکزی و افغانستان را بگونه فزاینده ای بنمایش گذاشتند که بگونه طبیعی، علاقمندی اینچینی بخودی خود از جمله و بصورت عمده ای بدلیل موجودیت ذخایر عظیم فلزات کمیاب در منطقه می باشد. علاوه بر آن و با اهمیت تراز همه اینکه، افغانستان تحت تسلط و اداره "طالب" ها در مسیر کشورهای آسیایی و اروپایی، بمثابه شاهرگ توسعه اقتصادی کشورهای یاد شده بحساب آمده و وصل کننده اروپا بکشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا محسوب می گردد. بنا برین، همه بازیگران بمفهوم وسیع کلمه، با بکارگیری از راها و وسایل مختلفی در صدد آن می باشند تا بمنظور سهمگیری در حل و فصل قضایای کشور ما و تبارز نقش و اثرگذاری در تعیین دورنمای کشور ما با افغانستان سفر نمایند. اما این مسأله فراموش خاطر ما نگردد که وضعیت عمومی و کلیت اوضاع در کشورهای آسیایی مانند کشور عزیزما افغانستان، چین، هند، تایلند، میانمار، کامبوج، اندونیزیا، مالیزیا، کوریای شمالی و کوریای جنوبی، ویتنام، فلپین و سریلانکا و چگونگی روابط و مناسبات آنها با یکدیگر و با سایر کشورهای جهان، روابط فعالیت های سازمان همکار ی های شانگهای، اجلاس سران آسه آن، مشکلات و معضلات درهانگ کانگ و کشمیر، درگیری ها، همکاری ها، روابط و مناسبات اقتصادی و تجزیه و تحلیل همه آنچه در مناطق آسیایی اتفاق میافتد، در وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگری از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد.

بر بنیاد گزارش های موجود، در کنار مسایل دیگری که مطرح بحث می باشد، از جمله یکی هم اینکه تلاش های فرا وانی در شرف تکوین می باشد تا از کشور عزیزما بمنظور ایجاد و گسترش تنش در آسیای مرکزی استفاده بعمل آید. دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور ما ادعا می ورزند که بسیاری از گروه های تروریستی به لطف و حمایت آنگلو ساکسون ها در اراضی متعلق با افغانستان حضور فعال داشته و مصروف اند تا بمنظور ایجاد کانون های تشنج در مرز های کشورهای مستقل مشترک المنافع و همچنین قبل از همه بمنظور تضعیف نفوذ روسیه مورد استفاده قرار داده شوند. زمانی که تعداد بیشماری از افراد فقیر، گرسنه، بیمار و نا امید وجود داشته باشند، جذب آنها بمنظور همکاری با تروریستان و خرابکاران بسیار ساده و آسان می باشد. چه، کافی است با پرداخت ۲۰۰ - ۳۰۰ دالر حقوق ماهانه، برای هرگونه از خودگذشتگی آماده گردند. همچنان بسیاری از کارشناسان امور نظامی چنین اظهار می نمایند کاصلن نمی توان پذیرفت که نیروهای ائتلاف غربی، سرزمین و اراضی افغانستان را بگونه تمام عیاری ترک نموده باشند. در وضعیت کنونی، همه باین مسأله متفق الرأی می باشند کاتجام اقدامات بیشتری بمنظور مبارزه و مقابله با بی ثباتی درکشور ما لازمی و حتمی پنداشته می شود.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که بهر دلیلی، اقدامات تروریستی درکشور، بویژه در شرایط کنونی کاهش پذیرفته و اما مخالفان مسلح بویژه در قالب "جنبش اسلامی ازبکستان"، "القاعده" و "داعش" در امر دامن زدن تشنج و وخامت وضعیت درکشور از حضور فعالی برخوردار می باشند. بسیاری ها هم چنین می پندارند کاصلن لزومی احساس نمی گر

دید تا قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی بشکلی که این اتفاق افتاد و با پیامدهای سیاسی که در سرزمین و اراضی افغانستان رخ داد، سرزمین و اراضی افغانستان را نباید ترک می نمودند. شتابزدگی در این مورد منجر به توقف ارسال تسلیحات و مهمات بدولت تحت رهبری دکتورنجیب الله شده به تغییر موازنه قدرت و ایجاد هرج و مرج بیشتر در کشور و در نهایت امر منجر به کشاندن پای نظامیان ناتو بر رهبری ایالات متحده در سرزمین میهن عزیز ما گردید. قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد هفته های پسین نشست بمنتفی پنداشتند. در این مورد بایست یاددهانی بعمل آید که نشست گشایش یافت، اما چرا "طالب" ها نشست یاد شده را منتفی پنداشتند. در این مورد بایست یاددهانی بعمل آید که نشست دوروزه یاد شده در مورد کشور عزیز ما افغانستان، تحت نظارت سازمان ملل با سهمگیری کشورهای کلیدی و نماینده های سازمان های بین المللی در دوحه بکارش نقطه پایان گذاشت. قرار بود مذاکرات قطریکی از مهمترین گردهمایی ها در مورد مسایل مربوط بکشور عزیز ما، بویژه پس از بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در کابل تبدیل شود. مدت ها قبل از اعلام فهرست شرکت کننده ها، انتظار برده میشد که نشست دوحه مشکل ایجاد یک مقام جدید نماینده ویژه سازمان ملل برای افغانستان را که قرار بود دارای کارکرد دیپلوماتیکی گسترده ای باشد، حل نماید. با اینحال، کنفرانس یاد شده بموضوع فوق شفافیت نداد.

منشی عمومی سازمان ملل در این نشست اظهار نمود: "ما در مورد قطعنامه شورای امنیت که بمن دستور می دهد تا یک نماینده سازمان ملل را برای مسایل مربوط با افغانستان تعیین نمایم، بحث و گفتگو نمودیم، اما تنها پس از رایزنی های گسترده و همه جانبه با همه ذینفعان، از جمله کشورهای عضو، مقامات بالفعل و سایر بخش های جامعه افغانی، چنین نماینده ای تعیین خواهد گردید."

بگفته نامبرده، طرف سازمان ملل در نظر دارد تا "فرآیند جدی رایزنی" را آغاز نماید که طی آن مشخص گردد کآیا شرایط لازم بمنظور تشکیل مأموریت نمایندگی سازمان ملل برای افغانستان وجود دارد و آیا شخص او می تواند بگونه مؤثری، ملاقات و گفتگوهایی را در سطح منطقه که ظاهر هدف آن جلب رضایت شرکت کننده ها در نشست بود، راه اندازی نماید. بنابرین در امتداد زمانی دوهفته، نماینده های کشورهای منطقه بکابل آمدند. "طالب" ها در جر یان گفتگوبا آنها، ایده تعیین و گماشتن نماینده جدید سازمان ملل برای افغانستان را قاطعانه رد نموده و اقدام اینچنینی را بمثابة تلاش دیگری بمنظور مداخله در امور داخلی کشور تعبیر نمودند. بعدها، احتمالان بهمین منظور، نشستی با حضور نماینده های اتحادیه اروپا و دیپلومات های کشورهای آسیای مرکزی در بیشکیک گشایش یافت. اینکه آیا اتحادیه اروپا توانست کشورهای آسیای مرکزی را بسمت خود متمایل نماید یا خیر، جای سؤال دارد. هنوز مشخص نیست وزارت امور خارجه امارت اسلامی نیز بگونه جداگانه، جامعه جهانی را به "تحمیل" خواسته ها، طرح اتها مات و وارد نمودن فشارهای یکجانبه متهم نمود.

همچنان در نشست یاد شده، تقریبین همان سیگنال های غیرمستقیم از جانب نماینده های چین و ایران نیز مطرح گردید. از جانب دیگر، شبکه ماهواره ای ایران انترناسیونال که مخالف تهران است، بگونه جداگانه به نقل از منابع ایرانی گزارش داد که مذاکرات و گفتگوها در قالب دوحه برای جمهوری اسلامی خالی از ضرر نمی باشد. ایران انترناسیونال تأکید بعمل آورد که تهران بر این باور بود که تلاش ها تحت نظر سازمان ملل، بویژه آنهایی که شامل سازماندهی گفتگوهای میان افغانی بودند، بمیزان قابل توجهی از نفوذ آنها بر "طالب" ها کاسته و نفوذ مشروط جهان غرب را افزایش می بخشد.

ظاهر هنوز هم "طالب" ها از مجموع تضادهایی که میان نماینده های کلیدی جامعه بین المللی موجود می باشد، حداعظمی استفاده را می نمایند.

یکشنبه ۶ ماه حوت سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۵ ماه فبروری سال ۲۰۲۴ ترسایی